



امروزه زندگی زیبا با خوایید
نوروزی برابر برای تلویزیون

+ اقتصاد

توسعه نسل جدید
غلتك های نورد
در اصفهان

+ پایداری

«اسفند»ی که
نه عید آوردونه
«ابراهیم» را برای مادر!



مزایا و معایب نمایشگاه فروش بهاره در اصفهان

فروش بهاره در زمستان بازار

۱۲

گران فروشی آرایشی فروش هادر صدر
تخلص صنفی اصفهان قرار دارد

زیبایی با مزه گرانی

مدیر بزرگی و نظرات اصناف استان
اصفهان از آرایشی و پیدا شنی ها،
پوشش فروشی ها فروشگان تخلف همراه و نایابی ها
به عنوان مختلف ترین اصناف در سال جاری باد
عنوان کرد: «عده تخلف این واحد های صنفی
مربوط به گران فروشی و کم فروشی است». جواد
محمدی فشارکی در گفت و گوی اصفهان زیبا ضمن
اشارة به افزایش ۳ درصدی تخلفات اصناف افکار
داشت، «واحدهای صنفی بدون پروانه تخلفات
زیادی مرتکب شده اند». به گفته وی معمولاً
تخلفات در اصناف اصفهان به مصرف سالانه یک و نیم
میلیارد دلار از این در کشور اشاره و عنوان گردید.
محمدی فشارکی در نشست خبری هفته گذشته
خود به امأة قابل توجهی از مصرف و قاچاق کالاهای
آرایشی و پیدا شنی در کشور اشاره کرد. مدیر بزرگی و
نظام اصناف اصفهان به مصرف سالانه یک و نیم
میلیارد دلار از این در کشور اشاره و عنوان گردید.
از این میزان، ۲۵۰ میلیون دلار به صورت رسمی و
یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار به صورت قاچاق و از
میادی غیرقانونی به کشور وارد می شود...

۲



شهردار اصفهان در مراسم روز درختکاری در بوستان بزرگ شهدای مدافع حرم خبرداد:

انقلاب در زیرساخت های فضای سبز اصفهان



آگهی مناقصه



شرکت نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان در نظر دارد:
((احداث پارکینگ و تابلوهای تبلیغاتی پروژه بزرگ نمایشگاه اصفهان در محل
روشن دشت رادر قالب قرار داد BOT [ساخت، بهره برداری و واگذاری]
به مساحت ۶۰ هزار مترمربع)) را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از پیمانکاران متخصص که سابقه فعالیت در این زمینه را دارند تقاضا
می گردد حداقل تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ جهت دریافت فرم استعلام قیمت به
دبیرخانه دفتر مرکزی واقع در خیابان علامه امینی روبروی خیابان فردوس

مراجعةه نمایند.



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
با هدف گسترش فرهنگ مطالعه
و حمایت از مطبوعات طرح تخفیف اشتراک
تاسقف ۵۰ درصد را اجرا می کند.
www.eshterak.ir

مشترک شوید

- هزینه ارسال عادی از مشترکان دریافت نمی شود.
- افزیش قیمت نشریه در طول دوره اشتراک
- منسوب مشترکان قبلی نمی شود.
- تسهیلات اشتراک برای روزنامه ها مجلات عمومی
- و مجلات تخصصی به ترتیب
- TASQEF: ۵۰۰۰ و ۲۵۰۰ تومان به ازای هر نسخه
- برای ثبت اشتراک کافی است
- به سایت www.eshterak.ir مراجعه نمایید.

صفحه زیبا

فرهنگسرای پرسش (دفتر تخصصی مشاوره) وابسته به سازمان فرهنگی تهریخی شهرداری اصفهان برگزار می کند:

سلسله نشست های جوانی فصل رویش

نقش اراده دار تصمیم گیری

زمان: ۱۶ اسفند ماه ۹۵ ساعت ۱۵
مکان: خیابان باغ گلستانه / کتابخانه مرکزی شهرداری

تلفن: ۳۲۳۵۱۶۴۰ | www.Porsesh.IR

سازمان فرهنگی تهریخی شهرداری اصفهان پرسش

کارشناس: حجت الاسلام و المسلمین محمد رضاد رانی

آمار: آپرات: Aparat.com/s.farhangi | رایانه: info@esfahanfarhang.ir | تلفن تعاون: ۳۴۳۶۵۸۵۶۶ | سامانه بیامک: ۳۰۰۰۴۸۴۵

وب سایت: www.esfahanfarhang.ir | نتلگرام: @isfahanfarhang | اینستاگرام: isfahanfarhang



دومین شماره «اصفایی»
ضمیمه روزنامه امروز

+ سیاست

توضیحات ازهای
در باره آزادی منتظری
بقایی و شهرداری

سخنگوی قوه قضائیه در یکصد و نهمین
نشست خبری خود، به سوالات متعدد
خبرنگاران در حوزه های مختلف پاسخ ...

+ فوتبال

ضد گزارش در بیال افتخال اصفهان
سپاهان برد
تا ویسی برگنارن شود

+ فرهنگ

فلسفه اصفهان
عامل تداوم فلسفه
اسلامی است





خدانکد رفایی در جامعه مدد

شود. دیگر باید نشست و تماساکرد

و حسرت خورد. شهروندی برای

تصادف در خون خود غوطه و

است، خود روی که همسه‌ی در

اتش می‌سوزد، سیل هرچه برس

راه خود بوده می‌برد. آنکه ای اسپرشنله های

سرکش اتش شده... انسانیت همداری و همدمی

می‌بلند. اما سوراخهای تعدادی از هشتگران

به جای توان و باری توانوں گرفن عکس های

سلفی هستند و منظر لحظه‌ای فرست تا هنر

خود را در اینستا و اینستا انتها به نمایش

پذیرد.

بدتران اینستاکای لوس و معلوم الحال مثل

«من و تو» برای پر کردن برنامه های خود از

تماشاگرانش می خواهد تا از منازل خود و زشت

شهر خود عکس و فیلم گرفته و باید نمایش ارسال

کنند.

مدیران و مجریان این شبکه بالدوں را بد نیستند

و از مصیبت‌ها و ایسپب های موجود بالدوی بجزند

و باقیه کیک برف است. و گزنه بخانمان های

سکن متوجه هدر مکعب ای سرمه و بخزه لندن

یا معتقدان و الکلی های او راه در خیابان ها که

سلب آرامش می‌کنند و روسبیان و... وضعی

به مرائب مصیبت‌بار تراز جامعه ما دارند.

البته این اوضاع تلخ اروپا و لندن نباید مازال حال

و روزی خانمان ها و مشکلات اجتماعی غافل

کند. اما خبرگان راگان که به عنوان کارگان

بی مزرد اینگاه مراکز مشغولید، باید باند

مشکل‌های این موضوع شهروندی اقدام مهمی بود.

سلفی گیران که دارای بکوب و بامن «دیده شدن»

هستند، باید خود را به جای سوژه های سلفی قرار

دهند و قضاوت کنند.

خطرات جانی و مالی ناشی از برخی زست های

سلفی ممکن است به قیمت جان افراد نام

شود.

درهای ابتدای گفت تقلیدهای بی اساس و منطق

فقط ابراری برای نشان دادن سطحی نگری است

و پس.

منبع: خبرنگاران

جامعه

صحن زیبا

رییس سازمان محیط زیست:

دیگر منابع آبی برای هدردادن نداریم

پیاده روی و درگزه سواری به عنوان گزینه های

معاون رییس جمهور افزود؛ مادر کشور گوی

سیقت رادر در پیش از معاون و هدردادن آب از اهم می

ربایم. مادر این باین پیشینی فرهنگی جراحت

یک سوم غذایان از مردمه تا سفره هدر بود و سر

از زیله در پیورد؛ این یک سوم غذا حداقل معادل

صرف ۲۷/۵ میلیارد متر مکعب آب است که مابا

این الگوی صرف غذا و هدرفت آن حداقل این

میزان آب را در میان اینکارهای برازد

نمی‌تواند مددی دهد؛ چند خاک از میزان شروع

می‌رود؟ چند زیله تولید می‌شود؟ این الگوی

کوئنی ماست که باید تغییر کند؛ زیرا اصلاحی گمی

این برای هدر دادن وجود ندارد. اینکارهای اینکه

به سوخت اینکارهای برازد تکمیل کارت

سلامت جهت مراجعت که شامل مواردی جون

اندازه‌گیری قد و وزن، فشارخون و بیماری های

مشهور و آموش به مردم در خصوص بیماری های

کلیه به صورت رایگان، توزیع کتاب تحقیق عنوان

زندگی باکیله بیوندی، توزیع کتاب تحقیق عنوان

راهنمای بالینی خانواده ها و سیمان را تاباصلی مزمن

کلیه، توزیع جزو از آموشی که شامل میاختن جون

زندگی با فشارخون بالا، کلیه و دیابت، بیماری های

زمین کلیه، اجماع مشاوره های تغذیه ورزش و... از

جمله برآمده هایی است که در این روزهای میگرد.

شایان ذکر است این همایش روز پنجمین از ساخت

۹ صبح الی ۱۳ ظهر در میدان نقش جهان برگزار

می شود. ☺



دوره کوکی و فصلی از آنکه به محیط زیست اختصاص
پافه برناهندگی خوبی برمی‌گزیند.
ما باید بدانند که امروزه زمین درمعرض خطربوده و
اینده شان در معرض تهدیدی است که با مک
دولت ها و به دست خودشان قابل رفع است.
رییس سازمان محیط زیست ادامه داد؛ تفاهمنامه ای
وی تصریح کرد؛ اقدامات زیادی انجام شده و از ۹۶ روز
که کنفرانس اکو ای ایندیکاتور از اینکه این محیط زیست را کی از
هوای سالم و باک در سال ۱۳۹۷ به ۵۷ روزی های
کتابخانه های درسی کنده و از زندگی سالم، غذای سالم،
پیشنهادی از شهروندان این محیط زیست، یکی از موضوعات مهم
درآمد که اگر کنترل نشود به محیط زیست و هوای ما
اسیب می‌زند، اما استفاده از حمل و نقل عمومی،

شهرهای اتفاقی رییس جمهور محیط زیست را کی از
مولده های مهم حقوق شهروندی قاریه دهد و

از ابتداء حق بپردازند از اینکه این محیط زیست را کی از
زندگی توجه می‌کند سپاه ریویکرد مهمی برای

دنیای امروز ماست.

با ایجاد این محیط زیست را کی از
این ایجادهای کنده و از زندگی سالم و کیفیت

زندگی این محیط زیست را کی از
این ایجادهای کنده و از زندگی سالم، غذای سالم،

آب سالم و نشاط طبیعت بهره مند شود.

وی با ماحصل این پرسنل که ماباید دستیابی به

این حدف چه کرده ایم، گفت؛ برای مشاور حقوق

این دستیابی را کی ایجاد کرد؛ این تغییر نگرش حسما باید از همین

رییس سازمان محیط زیست با اعلام

تا سفره هدر می‌زند، گفت؛ این مصادل

۲/۷۵ میلیارد متر مکعب آب است که

یعنی حداقل این هیسان آب را هدر

می‌دهند.

به گزارش مهر، رییس سازمان محظوظ

زیست و معاون رییس جمهور ضمن این روزهای

خشحالی از پرگزای همایش و جشنواره

محیط زیست در مشاور حقوق شهروندی

همه‌مان با روز دخترکاری همه‌مانع

طبیعی گفت؛ اقدام رییس جمهور در ابلغ

مشاور حقوق شهروندی اقدام مهمی بود.

اینکه آنکه رییس جمهور محیط زیست را کی از

از ابتداء حق بپردازند از اینکه این محیط زیست را کی از

زندگی توجه می‌کند سپاه ریویکرد مهمی برای

دنیای امروز ماست.

با ایجاد این محیط زیست را کی از

این ایجادهای کنده و از زندگی سالم، غذای سالم،

آب سالم و نشاط طبیعت بهره مند شود.

وی با ماحصل این پرسنل که ماباید دستیابی به

این حدف چه کرده ایم، گفت؛ برای مشاور حقوق

این دستیابی را کی ایجاد کرد؛ این تغییر نگرش حسما باید از همین

می باشد.

(و) شهرداری (کمیسیون) درد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی ir www.falavarjan.com مراجعه فرمایید.

آگهی مزايدة نوبت سوم

شهرداری فلاورجان به استناد مصوبه شماره ۴۰۰/۰۸/۱۵ مورخ ۹۵ شورای محترم اسلامی شهر فلاورجان در نظردارد زمین واقع در فلاورجان - بلوار طالقانی - مقابل ساختمان شهرداری محل توقف ساقی تا هنر تاکسی های خطوط شهری به متراژ تقریبی ۱۴۷۸ مترمربع را طبق شرایط ذیل براساس قیمت کارشناسی جهت پارکینگ عمومی به مقاضیان واحدشوایط به صورت اجاره به مدت یکسال شمسی و اگذار نماید.

الف) قیمت پایه اجاره ماهیانه مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۵ ریال می باشد که بالاترین مبلغ پیشنهادی برندۀ مزايدة خواهد بود.

ب) مقاضیان می بایست آخرین قیمت پیشنهادی خود را حد اکثر تا آخر وقت اداری روز یکشنبه

مورخ ۹۵/۱۲/۲۲ به دیگرانه حراست شهرداری تحويل نمایند.

ج) پیشنهادهای واصله را صورت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۵/۱۲/۲۳ در شهرداری قرائت و سپس برندۀ مزايدة خواهد شد.

د) کلیه هزینه ها از جمله بیمه، مالیات، عوارض شهرداری، ارزش افزوده، چاپ آگهی و... به عهده برندۀ مزايدة می باشد.

و) شهرداری اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی ir www.falavarjan.com مراجعه فرمایید.

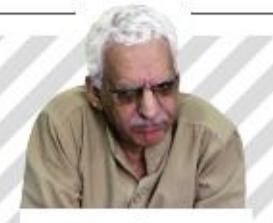
امیراحمد زند آور - شهردار فلاورجان

به مناسبی هفتاده سلامت مودان

دوره آموزشی سلامت مردان در شرکت آب و فاضلاب روستایی استان اصفهان برگزار شد

حسین محمدیان باشاره به نگاه و پریزه شرکت آب و فاضلاب روستایی استان اصفهان به کارکنان خود و تامین سلامت جسمی و امنیت روانی آنها به عنوان سرمایه های گرانبهای انسانی، از برگزاری کارگاههای دوره ای اموزشی پیشنهادی این محیط زیست به صورت مستمر برای آنها این محیط زیست و یهادهای این محیط زیست را کی از اینده شان در معرض تهدیدی است که با مک دولت ها و به دست خودشان قابل رفع است. کارگاههای این محیط زیست در مشاور حقوق شهروندی همیشه همانع از اینکه این محیط زیست را کی از این ایجادهای کنده و از زندگی سالم، غذای سالم، آب سالم و نشاط طبیعت بهره مند شود.

محرک اقدامات زیاده ای این محیط زی



چهره‌های معتبر برای نوروز امسال سریال می‌سازند

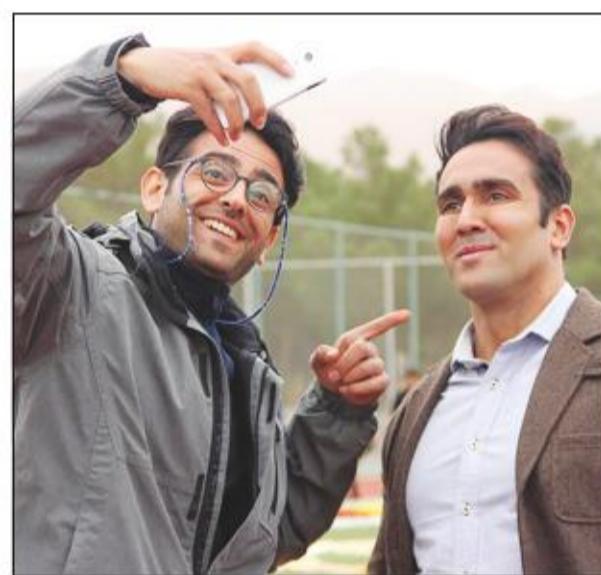
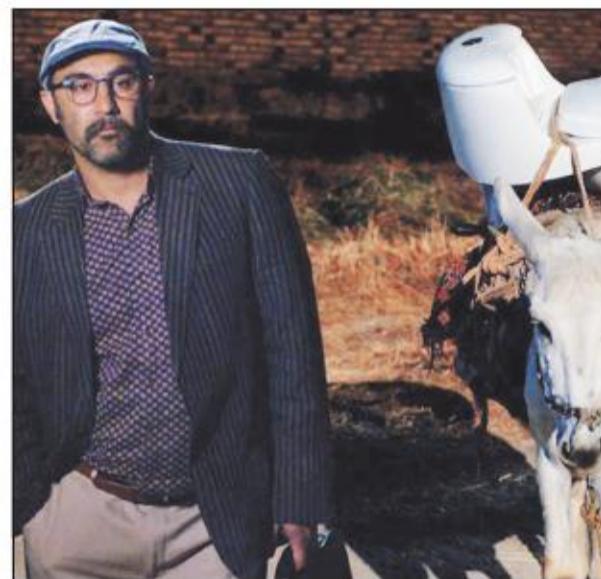
نوروزی پربار برای تلویزیون

گویا امسال قرار است طلایی ترین زمان تلویزیون برای نمایش سریال، خیلی هارا خانه نشین کند؛ اصطلاحی که عموماً برای سریال‌های پرطرفداری کارمی رود که می‌توانند خیابان‌ها را خلوت کنند. تلویزیون چندسالی است که چندان نوآورانه با توپیداش، به این اصطلاح رنگ و بوی حقیقی ترین دوره تولیدی سریال بود. اغلب سریال‌ها، اتفاق‌هایی بیفتد. نوروز سال گذشته، یکی از ضعیف‌ترین دوره تولیدی سریال بود. اغلب سریال‌ها، نام‌های بزرگی را در خود داشتند که حتی نتوانستند به کف حداقلی رضایت مخاطبان دست پایند. گویا این اتفاق به مدیران رسانه می‌سپاریست امده؛ جریان‌های روی کاغذ سریال‌های نوروزی، ۹۶، به مرأت قوی تراز سریال‌های نوروز سال گذشته هستند. سریال‌هایی که از هم اکنون می‌توان موقوفه برخی از آنها را سجل داشت، این سریال‌های تئاتری‌گذرنامه هستند تاریخی‌شوند و نوان خود را به رخ رفای کم تعدادشان پکشند.

سه سریال نوروزی امسال راهه معتبر تلویزیون ساخته‌اند؛ سیروس مقدم، سامان مقدم و حسن سهیلی‌زاده سه کارگردانی که خوب می‌دانند امسال قرار گرفتن نام آنها کارهای فرار است متوجه می‌باشد. برای سیروس محبوبیتشان نزد مردم، رفاقت خوبی میان این سه سریال سازقه‌تلویزیون در انتظار است که فارغ‌ازگرمای محلی، سبب می‌شود به سریال‌های امسال تلویزیون، بشی از هر سال دیگری امیدوار باشیم.

در کاراپین سه سریال، برنامه پرطرفدار «کلاه قمری و رفقاء» رانیز تیبا از بزمی؛ برنامه‌ای که روند تولید این امسال تا دیقیه اخر مشخص نبود و گروه دریک زمان فشرده، کارگارش منون و فیلمبرداری را تجاه داد. برنامه‌ای که قرار است یک چهره عرسکی جدیدی را معرفی و از چهره‌های سرشناس وطنی نیز برای هر قسمت خود استفاده کند. ...

۱۶



نکاتی سودمند درباره اسباب کشی

اسباب کشی تجربه‌ای است که فقط بعضی از فرادان را «مفرح» می‌نمایند، اما باعیت نکانی که در این مقاله ذکر می‌کیم، برای نقل مکان به خانه جدید کامل‌آماده خواهد بود. این اسباب کشی مطمئناً خیلی از زمان شما را خواهد گرفت؛ بسته بندی گرد و سابل...

۱۵ + ساخت

خانه‌تکانی؛ شش خطر، سه توصیه

خانه‌تکانی هر چندار است های زیبای مالاباریان است، اما اگر به رعایت نکات این‌تی توجه نشود، ممکن است منجر به تهدید و خطرات زیادی شود. از رایج‌ترین عوارض خانه‌تکانی‌های نادرست، کسر و درگدن درد، مسمومیت...

۱۳ + گردشگری

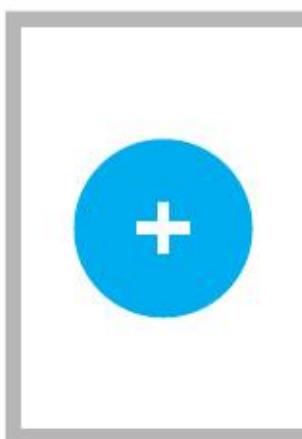
رستوران‌های از «ایستگاه غذا» به «مقصد غذاگردی» تبدیل کنیم

در رستوران‌یک خدمات‌کار نایساز شما بدیرایی می‌کند و در تاریکی کامل غذا می‌خورد. رستوران دیگری وجود دارد که به وسیله یک اشپیزیک کارگردان از اینه می‌شود و در آن تنابر، رستوران و امایشگاه باهم در لیمیخانه...



بررسی قیمت و راهنمای خرید
هر آنچه که ممکن است
در ایام عید
به آن نیاز داشته باشد

Bazaarche Buying Tips & Advice



بازارچه BAZAARCHE

داهنماي قيمت و خريد عيد

بازارچه ياراهای پوششی، آجیل، شبیری
میوه، هفت سین و نیازهای اساسی نوروز

نوروز بازار

بررسی بازارهای پوششی، آجیل، شبیری
میوه، هفت سین و نیازهای اساسی نوروز

روز درختکاری

عکس از حمیدرضا نیکوهرام

سرپیش عکس روزنامه اصفهان زیبا
جهت افتتاح آرنس عکس روزنامه ازتمام
عالقه مندان به رشته عکاسی دعوت
به همکاری می نماید.

بارگردان
اسکن کنید



فراخوان عکس

عالقه مندان می توانند مشخصات و
نمونه آثار خود را از طریق اینپل
photo.isfahanziba@gmail.com
روزنامه ارسال کنند.



صحن زیبا

سال دوازدهم، شماره ۲۸۷۹
دوشنبه ۱۶ استیل ۱۳۹۵

۱۷

عکس نگاشت

روز درختکاری یکی از روزهای سال است که در آن
مردم تشویق به کاشتن نهال می شوند. این روز
در جنین کشور گرامی داشته می شود و معمولاً در
روزهای پایانی زمستان برگزار می شود.



مروری بر حوادث رخداده در سال ۹۵ در استان اصفهان

قتل، خودکشی و داستان‌های دیگر

سال ۹۵، از رهگذر سالی که گذشت سرشماری حادث ریزو درشتی بود که کام خیلی ها را تلخ کرد. غرق شدگی، خودکشی، قتل، سرقت و همچنین سوانح جاده ای و... از جمله اتفاقاتی بود که در این سال، شاهدش بودیم؛ اتفاقاتی که گاه با مرگ همشهری های امنهانی مان همراه بود و گاه با صدمه و آسیب دیدن آتها. در ادامه مروری داریم بر برخی از حوادثی که از ابتدای این سال تاکنون، گربانگیر شهرشده است.

حوادث

صعنان زیبا

سال دوازدهم، شماره ۲۸۷۶
دوفته ۱۴۹۵

۱۸

اسفند ماه

بانلاش خیرواهانه مسولولا شهرستان شهرضا پایک
نفر معموم به قصاص نفس از جویه دارهایی افت.
همچنین سرقت مسلحه از طلاق‌روشی در خیابان
عطار شاهین شهر اتفاق افتاد و یکی از کارگران واحد
کیسازی کارخانه ذوب آهن اصفهان بر اثر سقوط از
ارتفاع جان خود را از دست داد.

بهمن ماه

دو گوک افغانستانی در کمال آبی، واقع در اصفهان
جان باختند. همچنین یک سرقت مسلحه از
ازبائیکی در خیابان حکیم شفایی اصفهان، یک مامور
نیروی انتظامی به شهادت رسید و سارق متواری شد
و اخراجی، ساله پدر پرسی در اصفهان با قتل فرزند
نمایند.

دی ماه

مسومیت تنفسی با منوکسید کرین موجب
مصدوم شدن سه نفر و فوت یک نفر در سیمیر
و داران شد همچنین یک مرد میانسال در محور
فوکا شهر زین شهر جان داد و جسد دختر ۱۵
ساله ای در حوالی شهر اصفهان پیدا شد و ماموران
پس از شش ساعت جست و جوی قاتل آن را در حین
فرار دستگیر کردند.

شهریور ماه

طبی دو جاده رانندگی و برخورد چهار خودرو سواری
در جاده مشهد-اردبیل و قصریه ترتیب ۹ و هفت
نفر مصدوم شدند. همچنین عنصری ناشناس
بخشنی از خانه پیداری اسلامی اصفهان را به آتش
کشیدند و در این ساله آب تپی در رو راه خانه را بند
روجان چنان ۲۳ ساله از تبعید افغانستان را گرفت.

امداد ماه

در گیتی دو تبعید افغانستانی و قتل یک جوان ۲۵
ساله در حوالی بیدان لاهه در این ماه رخ داد.
همچنین، جوان ۳۲ ساله بیانی جان کوکی را که
در پیشتر رود خانه اقدام به آب بازی کرده و در حال
غرق شدن بود، نجات داد. اما خود در جاده
شدو جان خود را از دست داد و دانشجوی کاشانی
ازشدت فشار روحی ناشی از ماجرا بورسیه ها
خودکشی کرد.

خرداد ماه

در این ماه حوالی گلستان شهداد، جسد مرد جوانی
در اتوبوس کشف شد. همچنین جوان ۲۴ ساله
اصفهانی در تغفیه خانه مبارکه غرق شد و اینار
مسجد حکیم اصفهان دچار آتش سوزی شد.

اردیبهشت ماه

جسدی جان نوجوان ۱۵ ساله پس از شش روز
زیر پل اذر کشف شد. همچنین در پی وقوع یک
فقره در گیری در خیابان ۲۴ شهری اول اصفهان،
مردی ۲۸ ساله بر اثر اصابت چاقو به قلب، جانش
را از دست داد و در این ماه زن ۴۵ ساله ای که
در رو راه خانه را بندیده رود غرق شده و نتمامی علام
چنانی خود را از دست داد بود، بالاتش غواصان
آتش نشان، جانی دوباره باقت.

فروردین ماه

برخورد پراید با تیربرق در کاشان چهار کشته و
زخمی بر جای گذاشت.

آذر ماه

جوان ۲۴ ساله در اصفهان خود را حلق از پیز کرد.

آبان ماه

ی احتیاطی یک کارگر مزمعه در صحرای روسنای
کهرویه باعث غرق شدن وی در استخراج مزمعه
شد و در جنوب و مرکز اصفهان ۱۶ نفر از سارقان و
مال خزان تلفن های همراه دستگیر شدند.

مهر ماه

حدود ساعت ۱۴ امروز بر اثر سقوط یک بالابر در
کارخانه فولاد مبارکه، دو کارگر جان خود را از دست
دادند. همچنین اختلافات مالی قبل بزنشک
اصفهانی را قم زد و افرادی که با یک بزنشک
معروف اصفهانی اختلاف مالی داشتند، نفس
وی را گرفتند.

طنز به زبان بی‌زبانی

کلام طنزنوشتن در این پرده حساس کوتی سخت است، نه می‌توانی به راینده رود گیریدهی که اگر بدیهی می‌گویند طنزبرداران همه چیزرا به لوگوی ششانده‌اند و نه اینکه می‌توانی با گانبدی‌های سیاسی شوخی کنی که بالته در توجهه این مساله می‌گویند که خط قمرواست. بالته در اینکه مسوولین، راینده رود را به لوگوی گشیده‌اند و یک روز آش راقطعه می‌گند و روز دیگر آش راصل می‌گند، شکی نیست و از مهمه صرف می‌پندارند و بعد از اینکه سیاسی هم درم را یک منت رای به صرف می‌پندارند و بعد از اینکه خوشبختانه گذشت، سرافی از آنها نهی گیرند...



سجاد رضایی کجاست؟

کلاس سجاد رضایی ورقابیش بای نایت این سنتون هستند. مادوست داریم که هر هفته از آنها بایدی کنیم تا به دوستان بگوییم که ممکن است شما استعدادی ناب را در حوزه طنز فراموش کنید، در حالی که مافراموش نمی‌کنیم سال‌های سپارادور، یکی را بینظور داشتم، فراموشش کردیم و او هم ناگای باز رفت، البته این روزها کمی معروف شده است...



مرغ همسایه غاز است

این هفته هم از یک اتفاق خوب در اصفهان رومنایی شد، جشنواره فیلم حسنات هم به میمنت و مبارکی در حال برگزاری است، عکسی در صفحات مجلای و امارات احمد جو ردیف سوم و میهمانان بعضان انتساب تهرانی ردیف اول، به هر حال این هم وجه تسمیه مرغ همسایه غاز است.



از ماست که بر ماست

رامین رضائیان این هفته حسایی شبکه های اجتماعی را به هم ریخت و کلی سروصدایه بیکرد، اینکه ایشان چه ربطی به طنز ما دارد، این است که یک فرد خارجی مانند برانکوهمن اول کارخانیان را شناخت و اجازه نداد از ترتیبه به تهران بیاید، ولی دوستان وطنی بازهم برای موفقیت خود بر اصول اساسی اخلاق باگداشتند، این هم طنزماجر...



اینستاکرام احمدشاه قاجار هک شد

یک روز خوب با پسر عمومی عزیزم عاروف نگ میرزا!

یک پیشنهاد

چرا باید «گشت ۲» را دید



۲
شماره دوم
۱۳۹۵ شاهد



وینده‌نمای سرگردانی، طنز تقویت روزنامه اصفهان زیبا

تحلیل حجی گوگردی از سفرهای نوروزی به شمال کشور

اشن جانبد بلولی ،

آ کیش

پیش صحی گوگردی رفته و گفتم صحی عکس‌های جاده چالوس را در ایام نوروزی دیدی؟ گفت نه چیزی شده س؟ کی ادباره ترکی موتورسیکلت بودن؟ گفتم نه منظوم شلوغیه این عید نوروزه، گفت همان اد بخی چی بیگم، من یمیدوسم چه خوب س توین شمال اوس علیرا داد حموم شما می‌بین؟ اکایه از اینکه جایی خیری نیست، هر کی رامی بینی به کلا حصیری بادمیای لانگشیا عنکنی دودی و رداشته س...



۲ خداخیرش ۲۵۵
حقاًکه جناب اصفهانی
رندی است که نیست هیچ کارش عادی
اول با فیلم همه را بیدرس کرد
بعد همه را نمود غرق شادی

پیام‌های معکوس

۴۳۶۳۵۵	گاز بهاء
۲۳۳۶۰	آبونمان
۴۲۲۲۷	مالیات بر ارزش افزوده
۴۳۶۳۶	عوارض گاز رسانی
۷۰۷	حق بیمه
*	سدیه متفرقه
*	سدیه گذشته
۷۹	کسر هزار ریال
۶۸۴	مانده هزار ریال
	تعداده استراک
۵۵۷۰۰۰	مبلغ
قابل برداخت	۹۵/۱۲/۱۹
برداخت	۱۹۴
پانصد و پنجاه و هفت هزار ریال	تلفن امداد ۵-۲۲۵

خوشحالیم که از ماعلاوه بر پول گاز

۱۲۰,۰۴۰ ریال
هم مازادمی گیرید

جمعی از شهروندان اصفهانی

حرف‌های مردمی

از اینکه بازار میوه شب عید را تنظیم کردید

سپاسگزاریم

میوه‌فروشی‌ها - خریداران و تنظیم کنندگان

لطفه های عبید زاکانی

سلطان محمود رزمستان سخت به طلحک گفت که باین جامه بسک لادرین سرمایه چه می کنی که من باین همه جامه می ازرم؟ گفت: ای یادشا، تو نیزمانند من کن تالاری، گفت: مگر نوجه کرده ای؟ گفت: هرچه جامد داشتم همه را دربر گردام.

۱ سجده سقفت شخصی خانه به کاریه گرفته بود. چوب های سفکش سپاراده ای کرد. به صاحب خانه برای تمیران سخت به میان آورد. پاسخ داد که چوب های سفک دکر خداوند می کنند. گفت: بسک است امامی ترسیم این دکر منجر به سجود شود.

۲ دوستی نسبیه هارون به پهلوی دوستی تربن مردمان نزد تو گیست. گفت: آن که شکم را سپریزد، گفت: من سیمری سازم پس مرادوست خواهی داشت یا به، گفت: دوستی نسبیه نمی شود.

۳ شوهر چهارم رئی کسر دوشه را خوده بود، شوهر سیمی روزبه مگ بود. برای او گریه می کرد و می گفت: خواجه، به کجا می روی و مرا به که می ساری؟ گفت: به چهارمین.

۴ خواص نام آدم و حوا واعظی بر میبریم گفت: هر که نام آدم و حوا نوشته در خانه ای اورد، شیطان بدان خانه درباید. طلحک از یاری منبر پرخاست و گفت: مولانا، شیطان در پیشتر در خوار خانه به نزد اشیان رفت و پیغایت، چگونه می شود که در خانه مازی اسم اشان پرهیز کند؟

۵ سرگه هفت ساله رنجوی را سرگه هفت ساله تجویز کردند. از دوستی بخواست. گفت: آن دارم امنی هم، گفت: چه؟ گفت: اگر من سرگه به کسی دادم، سال اول تمام شدی و به هفت سالگی نرسیدی.

۶ نیم عمر و کل عمر نجوى در کشته بود. ملاج را گفت: تعلم نحو خوانده ای؟ گفت: نه. گفت: نیم عمرت بر فناست. روز دیگر تبدیل بیدادم، کشته می خواست غرق شود. ملاج او را گفت: تعلم شناور خانه ای؟ گفت: نه. گفت: نه. گفت: اکل عمرت بر فناست!

خورشت ماست



۲۱

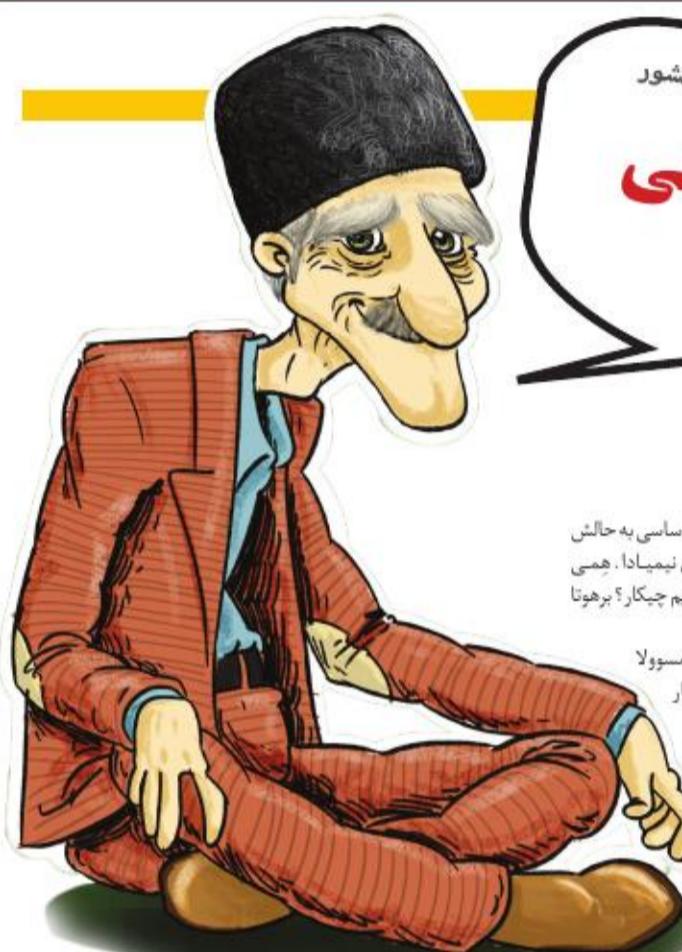
اصفهانی



کافه حجی

بیش رسماعیلی

تحلیل حجی گوگردچی از سفرهای نوروزی به شمال کشور اچش جانبود بلولی آکیف



شمی پونصد هزار تون من یه ویلا راجلونه بودن به بچا
ضمیمان رود خوشه و راه که فکری اساسی به حالش
نکردین، هیچکس دیگه اصفهان نیمیادا، همی
حالاشم کسی نیمده س، میگن بزم چیکار؟ برهوتا
بیبیله؟
همینا آگه آبود میمن اصفهان، مسوولا
با این مشکلا حل کنین با این کنار
تاخودم جوقا و دارما بیوقنم
دنیای کاراش.
راسی نقی رسولی عاموم که
رقه بود شمسالا فنه بودم
براد گفتم نه، گفت خب
و خی برو امروز بسید شد.
صوما سحی بیانا بگم.

دم به دقه آتوین شلوغی!
ضمیمان رود خوشه و راه که فکری اساسی به حالش
جخ اصفان به من اینا گفتن و گرنه بربیده بود تودربا
خدوما خلاص کرده بودم.
اچش بوگو اصفان به این خبی، تنبیه، هذا حمام
هیمنا آگه آبود میمن اصفهان، مسوولا

قل مباراک! آدم، منایه دفعه این عروس خرم کردن
بردن شمال.
عیدی فطرم بود از انفاق، نیمیدونی چه مکافاتا
بد بختی کشیدم، ده ساعت تو این جاده بیچا و بیچ
گیر افتد و دیدم.
ابلاستی شوماکه میشنی، داشتم می بیکدم
بسکی چای داده بودن به من، اما جلو عروس
که روم نیمیشد بگم و ایسین به کنارتا من عزاما
بیکرم.
چه بگزیده شده س؟
اینجوی که پیداست تا طردا هم نهن رسیم «
این دیالوگ چاده چالوں گرفتار آمدند رد و بدی
شده است.

پیش حجی گوگردچی رفتم و گفتم حجی عکس های
جاده جالوس را در ایام سوروزیدی؟ گفت نه،
چیبلور شده س؟
کی را دوباره ترکی موتو نیشونده بودن؟ گفتم نه،
منظوم شلوغیه این عبد نوروزه، گفت هان اد خب
چی حق بوم.
من نیمیدونم چه خبره س تو این شمال، اوس
علیم راد حجمون شامی بن؟ (کنایه از اینکه جایی
خبری نیست) هر کی رامی بینی به کالا حصری
بادمای لانگشتی عینکی دودی ورداشته س اد برو
که فتنی.
حالا بیست دفعه رفته س تو این را آومده س، بازم
کالباس اینا خوده سامت دادم به پشمال
خوردن، اما ازون ورم شماليا خب داغمون کرد.
میگه چه خبره تو این شمال؟ آونم تو این شلوغی که

اینستاگرام قجری

اینستاگرام احمدشاه قاجار هک شد

یک روز خوب با پسرعموی عزیزم، عارونگ میرزا!



اینایزیادی درازن، و گرنه قد من متوسط
روبه بلنده!

یک روز خوب در کنار پسرعموی
عزیزم، عارونگ میرزا!

شاه بودیم، اون وقتی که شاه بودن
من بود!



اگه شناختی لایک کن!

حج مم باقر

از آنچه که در تحریره اصفهانی توافق با هیچ شخصیت استانی، کشوری و لشکری شوخت کیم، به پیشنهاد قائم مقام سردبیر مجبور شدم که ابدیتکاری سنتورزیان فارسی بازنشده ای را اینترست پیدا کیم و اینجا بازنشده هیم، اگر زیاد بازه نسبود به بزرگواری خودتان بخندید، به ظرفها در این متون می توانستیم عکس العمل مدیران ادارات دولتی را بازه اصفهانی بعد از شنیدن اسکار گرفت اصره های یا خبرنامه دشمن فلان فرد از جوهه انتخابی اصفهان را مجلس شورای اسلامی را بازه که فعلاً از شنآن معدوم به.

مشاف و موصوف همیشه «ی» می گیرد
مثال: دریاچه --- دری باغ
گل قشنگ --- گل قشنگ
آدم خوب --- آدمی خوب

۵۵. «ما قبل ساکن قلب به «ت» می شود
مثال: پراپرتی --- پراپرت
ارد --- ارد
کارد --- کارت

۵۶. واوساکن آخرکلمه قلب به «ب» می شود
مثال: کاو --- کاو

۵۷. مصوبوت گوانه، هیچ جایگاهی نداشته
و به (ا) (عاصوبت بلند) تبدیل می شود
مثال: شما --- شوما
کجا --- کجا در
جاده --- جاده
نکه: در مرود گله هی «پس» اغلب «س» آن
حذف می شود.
کجا بس؟ --- کجا بن؟
پس تو کجا ی؟ --- پس تو کجا ی?
پس کجا بدید؟ --- پس کجا بدید?
پس چرانی ای؟ --- پس چرانیمیتی؟

۵۸. حرف «و» در قالب حرف ربطی به «ا»
تبدیل می شود
مثال: من و توحین --- من تو احسن
۵۹. اصولاً خود «آ» به عنوان یک حرف ربط
به کار می رود
مثال: من هم، آیا بام حسن
گل و بلبل و سبل --- لال بللا سبل
خوبی و بدی --- خوبی ابدی
شیرین و فرهاد --- شیرین فرهاد

۶۰. حرف «ه» در لیجه اصفهانی به نوعی
نایود شده
مثال: بجدها --- بجها
گریه ها --- گریا
می چهد --- می چجد
تصربه: حرف «ه» در آخر افعال به «د» ساکن
بدل می شود.
مثال: بره --- بر د
بشه --- بشد
تصربه: حرف «ه» در معنای «است» به کار
روز به ای --- تبدیل می شود.
بپنه --- بپرس
سرراهی --- سری را پس
تصربه: امعانی که به «ه» به «ش» تبدیل
می شود.
مثال: پهشم میگم --- پهشم میگم
تصربه: امعانی که «ه» به «ه» و «ا» بدل می شود.
مثال: ماهمه می آیم --- ماهمه مینم
نکه: غیر اول شخص مفرد حروف «خواه» به
«خ» تبدیل می شود.
مثال: می خواهی --- می خی

۶۱. در برقی افعال حرف «ی» به «اوی»
تبدیل می شود
مثال: می شنوی --- امی شنوی
می میگی --- می میگی

۶۲. اگر حرف اول کلمه «ب» یا «ن» باشد و
ن «اضافه می شود
مثال:
بگیر --- بگیر
بپین --- بپسین
بریز --- ببریز
بین --- ببین

۶۳. چند اسم با تلفظ اصفهانی
مُدوّه: جستی
حبخال: حاج سجد جلال (قاعده ادغام
بنیادی)
حج مم باقر: حاج محمد باقر
حج مم دسن: حاج محمد حسن
مراحلی تعجبی یک اصفانی
مکه؟
حضرتی ای؟
جنوی نند؟



مجید کافی

- ۱. گزارش سرقت
قالی هزار شانه را دزدیدند
- ۲. پیراهن چارخانه را دزدیدند
اینها به در چنان سرهنگ، ولی
برخیز که رو خانه را دزدیدند
- ۳. عام لوم کو ...
مانفشه جهان را نامور می سازیم
- ۴. با سرعت و دقیق نظرمی سازیم
این قرن اگر تمام شد، خوب بپن
گرمه شد، قرن گدرمی سازیم
- ۵. خدا خیرش بد
هر چند که باعده یک مشت حسود

۲۲

طنز تصویری

کارخانه ای که شیرالاغ می فروشد

بر اساس تحقیقات انجام شده ترکیبات موجود در شیرالاغ بسیار شبیه به ترکیبات موجود در شیر انسان است. از این روبرای تغذیه کودکانی که به دلیل خواص شیرالاغ مصرف این ماده در



بعد امامه رانمود غرق شادی

- ۱. چرا این کارو با آدم می کنیم؟
دیور که من فضولی کرد
انگار که کاریچ و خواری کرد
اموزریس طالبان گفت بکار
کدم آن را چوب بخاری کرد
- ۲. مشاوره مجازی
بشنو تو زمن اگر که خواهی مددی
ناگوییت از مواعظ شدی
خیلی ساده هست هر آنچه گوید خانم
زنهار که روی حرف او حرف زدی

- ۱. حتی اگر او از سرمه هل انگاری
زد بچه کوچکت فلچ کرد، بخند
- ۲. عیدی نباید خونه رو خالی گذاشت. امینت نداره
گفتم برای پهچت و بهروزی
امسال رو بهم سفرنوروزی
با دیدن لیست تور و قیمت، اما
راضی شده ام به شیوه هر روزی
- ۳. خدا خیرش بد
حقاکه جناب اصغر فهادی
رندي است که نیست هیچ کارش عادی
اول با فیلم همه را پرس کرد

- ۱. در موعد اسکارداران حشن نبود
در وادی شاد کردن ملت ما
هر کس که نبود، اصغر فهادی بود
- ۲. لیست خرید شهناز خانم
عصربی و باری ساعت بخر
در مخصوص بسیار می خواهم
یک کارت معافیت خدمت بخر
- ۳. چاره چیه؟
با توان اگر این برشک لج کرد، بخند
آن سوی نشست و روی کج کرد، بخند

سال دوازدهم، شماره ۲۸۷۹، دوشنبه، ۱۶ آسفند ۱۳۹۵

بازی و سرگرمی

سودوکو ۱۶ تایی

4	1	8	5		7	14		16
13	2	1	14	9	1	13	4	10
	10						9	5
5	4		16		10			13
9		13	15	14	8		12	
15	2		10	7	14	16	1	3
8	16	3			14			9
	14	6		2	3	7	15	4
9		13	8	16	4		10	2
8		1			2	10		11
2	12	13	5	3	4	16	9	7
	11		14	1	12	13		3
13			4		11		9	14
1	6	8	5	2			12	
	12	15			10	6	3	9
16			1	7		5	6	4

سودوکو ۱۶ تایی

	1	10	12			8	4	7
7	4	2		1	5	8	13	16
	12	15	6	13	3	10		
14	8	13	9	1		11	12	10
	3	5	16		2	11	1	4
		4	7		16	14		11
15	14		6	8	3	1		9
	4	11			6	7		10
8		10	2			3	13	
5		15		13	8	1		16
	10		9	1		13	6	
15	13		6	4		2	3	5
5	8	3		2		14	4	11
		13	14		5	11	1	12
16	10	9	1	7			14	5
1	14	4			10	3	9	

بازی کلمات

Crafting Items								
F	F	F	N	F	E	A	R	Y
E	C	E	O	S	O	P	B	H
E	R	L	E	C	R	O	C	H
S	R	T	O	C	E	E	D	E
E	S	N	I	S	E	R	H	T
A	M	X	A	C	T	O	K	N
M	A	R	K	E	S	E	U	L
A	Y	Y	A	L	C	R	M	G
S	C	A	L	O	P	T	O	D
O	I	A	R	O	A	N	L	I
R	O	C	G	N	A	T	H	R
E	L	F	A	B	R	I	C	R
O	S	C	I	S	O	R	S	P
P	A	P	R	C	E	E	L	O

SCISSORS
X-ACTO KNIFE
PAPER
GLUE
SCALLOP TOOL
YARN
POLYMER CLAY
KNEEDLE
FELT
FABRIC
CROCHET
MARKERS
NEEDLE TOOL
BLADE
RESIN
THREAD

فعالان مجازی حوزہ ایثار و شہادت تحلیل میں شوند

و در این زمینه ۴۲ هزار و ۵۶۲ ایرانی سارکشوار به صورت الکترونیکی و فیزیکی ارسال شده است و ۷۸۰ نفر از اسایید دانشگاه داوری این آثار را بر عهده داشته‌اند که در غربالگری اولیه ۶۰٪ از انتخاب از میان آنها ۲۲ نفر انتخاب شده است که از برگزیدگان این جشنواره سوم خردآدمه سال آینده هم‌زمان با روز ایثار و شهادت تقدیر خواهد شد. کمیابی از برگزاری همایش تجلیل از مردمان فرهنگی ایثار و شهادت در ۱۶ اسفندماه خبر داد و گفت: در این برترانه از هنرمندان، نویسنده‌گان و شاعرانی که در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نقش داشته‌اند، از میان ۶۰۰ نفر از ۲۲ نفر در تالار وحدت

مشهد مقدس بزرگوار خواهد شد، عنوان کرد، اولین برنامه مصادف با روز درخت‌کاری است و مراسم کاشت نهال به نام شهداد منطقه‌ای در آنچه‌ای بزرگراه شهید بابایی بزرگارمی شود و امروز، دوشبیه ۱۶ استقدها سومین همایش جمهه مجازی در حوزه اینار و شهادت بزرگار می‌شود که در این زمینه هزار و ۷۰۰ و بلایا، صفحه اینستاگرام و تلگرام فعالیت داشته و نظر افالان آن ثبت نام کرده بودند و از میان آنها ۲۲ نفر فعال این حوزه و نفر نویسنده تجلیل می‌شود.

وی در ادامه طرح ملى «نامه‌ای به یک شهید» را مورد اشاره قرارداد و بیان کرد: این طرح امسل برای اولین بار با همکاری، آموزش و پرورش، استان، هایرانگاران، مشهد

پیدا کنند که در رسال نخست این شناخت بسیار کم بود و سال گذشته براساس نظرسنجی که انجام شده به بیش از ۴۴ درصد رسیده است. وی افزود: اسفندماه پیشترین تعداد شهدا را داشته و ۱۳ درصد شهدا مربوط به این ماه حسنتند؛ از این روزروز ۲۲ اسفندماه اهمیت ویژه‌ای دارد و با پایداری فلزات های مختلف مردمی در این حوزه بهره برد. با توجه به افزایش شناخت مردم از رو شهید، رسانه‌ها پیشترین نقش را داشتند و از این امیدواریم با همکاری رسانه‌ها توانیم برنامه‌های این هفته را به خوبی پوشش دهیم. کریمیان در ادامه با این اینکه مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معروف شده و بخش از بنایم‌های بزرگداشت شده است.

ریس مرکاطلاع رسانی و روابط عمومی بنیاد
شهید و امور ایثارگران احضور ریس جمهور
کنگره بین المللی شهدای جهان اسلام در مشهد مقدس
خبرداد، به گزارش مشرق، ریس مرکاطلاع رسانی
روابط عمومی بنیاد شهید و امور ایثارگران سعی دیر
۱۵ استفاده‌های درست خبری که به مناسبت اعلا
برنامه‌های برزگداشت شهدای برگارند، گفت: ۲۲ استفاده
سالروز تشكیل بنیاد شهید به فرمان امام خمینی(ره)
است و در سال ۱۳۸۳ نیزبه عنوان روز برزگداشت شهدای
از سوی شورای فرهنگ عمومی انتخاب شد که تا اسلام
برنامه‌ی برزی خاصی برای آن وجود نداشت و از این
ب تلاش شدم تا مقدمه نسبت به آن، شناخت و آگاهی



نحو ۷۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان؛ خانه‌ای که هنوز عطر « حاج همت» دارد

«اسفند»ی که نه عید آورد و نه «ابراهیم» را برای مادر!

اما بیاورد، جایزه دارد. وقتی حاجی شهید می شود،
و بیواره صدام در یکی از اعلام می کند، خمینی
بیدی همت راهنم کشته شده امام هم این رامی شنود
... آن موقع امام دستور می دهد، تشییع جنازه
ماشکوه را، او را باکنید.

سروار خیری را به تهران منتقل می کنند.
پیکر مطهر حاج ابراهیم همت به تهران می رود و ۲۴ ساعتی انجام ماند. پجهه های لشگر ۲۷ محمد رسول الله می خواهند حاجی را تهران در پیشست زهرا دفن کنند. ولی بی تایی های مادر اجازه نمی دهد و اولاً برای تشییع و تدفین راهی شهرضا می کنند. مادر می گوید: «جنائزه سرمه رامی خواستند تهران دفن کنند، پیشست زهرا اخودش هم ممان رو زده های آخر ره رفته بود آنچه بایش را زده بود کاربر قرب شهید چمران و به محسن رضایی گفته بود، اینجا جای من است و اقیه هم که شهید شد، کاربر قبصه را برایش آماده می کنند تا آجاذفون شود، اما پسرزیرگم زرمه می رسد و اجازه نمی دهد. می گوید مادرم این سوال هایه اندازه کافی چشم انتظار ابراهیم بوده است. جنائزه از را باید ببریم شهرضا».

آوردن جنازه به شهرضا. در سراساری می شود خواهر ادامه می دهد: «خلاصه سر آوردن جنازه داداش به شهرضا دعوا بود و دردرس داشتیم. چجه های تهران و لشگر ۲۷ محمد رسول الله به هیچ چیز راضی نمی شدند جنازه را به مادر بدهند. ولی ماما گرسختنی که بودو به حاطرمادرمان آورد بیش اینجا! پنهشت زهراء سنگ پادبودی گذاشتم و اورکشن را آنچه دادم کردیم.» تابوت حاجی ازبلان می رسدو یک شانه روزه رخانه شان می ماند. مادر من گوید: ایک تابوت زیبا وسی نظری بری بود. بوی عطرش خانه من را برداشتے بود. «لینه هفت تا خوجه دامادی هم برای حاجی می اورند که لباس های چجه و وساپلش را در آن تربیت کرده بودند. بجه های شنگر ۲۷ محمد رسول الله، همزمانش در گردستان همه همه دست و اشخاص آن دند خانه بدء.

براهیم، دیگر جای سوزن اندخان ندارد. به قول مادر، «یک هفتنه‌ای خانه مان پیرازادم می‌شود و خالی می‌شود، خیلی هاً مددن. مراسم تشییع و تدفینش هم که سپاراشکوه در شهرضا برگزار شد. شام

حاجی زد و برد...
خلاصه حاجی زد و برد او برای این دنیا نمود. اصل
حیف همت که بخواهد بماند حاجی مال بالا بود،
مال بشهست... اینها بخشی از صحبت های همسری
ست که عمر در کار ابراهیم بودنش، تنها دو سال
اطول کشید و حلا و دیوار را از اداره، ایمان قوی و
بندهگی خاصانه ای را ایجاد کردند. اینها شدت است.
بن رامادرم گوید و ادامه می دهد: «مثلاً خلیلی
مقید به خواندن صدر رکعت نماز شب های قدر بود
با لینکه انس خاصی به سوره پس داشت. حالا هم
خلیل های خواندن همین سوره پس از ابراهیم
چشم تیراندازی کردند.

مادر دیگر خسته شده است. هر چند یاد اوری
ین خاطرات او را به گذشته برد و خیسی
چشمانش تو را عجیب محو صورتش می کند،
مادریغ از یک فطره اشک که بر روی گونه های
و جاری شود ا فقط هر چند دقیقه یک بار، با
یک آه، غم همه روزه ای نداشتند حاجی را فورت
می دهد؛ با خودم که حساب این اهاراکدم؛
بدیدم همه زندگی ام را بدھکارم.... بدھکارتوا
بدھکار مادرت ام امروز ۳۲ سال از آن روزهای
ای ابراهیم، برای مادرمی گذرد... و امروز ۳۳ سال
ست که ماه جزوی مجنون، خسوف کرده است...
در معرفی شهید همت همین پس که شهید اوینی در
وصفحه گفته است؛ «این سردار خبیر، قلب مراهم
فتح کرده بود»؛ ای همت، فاتح قلوب های زیادی بود
و همچنان در حال لشگرکشی است... چون قلبش در

صرف حضرت عشق بود
همت از خود رست و به خدای پیوست
ورفت تاماً بمانیم.
همت مثل ارباب حسین(ع)، بدون سرپیشتنی شد
تابکوید، خون من رنگین تراز خون ارباب نیست!
ری همت، همت کرد و جاوهانه شد! و این
سباهه‌های ما هیچگاه حق بزرگی ات را دانخواهد

A painting depicting two figures. On the left, a woman is shown from the chest up, wearing a dark, full-length niqab that covers her entire head and face, leaving only her eyes visible. She is seated in a wooden chair with a patterned cushion. On the right, a man with dark hair and a well-groomed beard and mustache is shown from the chest up. He has a serious expression and is looking directly at the viewer. He is wearing a light-colored, collared shirt. The background is a plain, light-colored wall.

«حاج همت» را من خواهی؛ صاف خودت را رویه روی آن خانه می بینی! وقنس کوچه به کوچه و خانه به خانه این شهرک هیچ دیالوگ راهی نشاند. مثل یک مرد، محکم و استوار نشسته، اما توان ایستادن ندارد. سنگار داغ ابراهیم قدرت راه فتح را از او گرفته شاید هم کسری را خمر کرده و ماخبر نداریم. حالا ما هستیم و مادر حاج «محمد ابراهیم همت» قواندۀ لشگر ۷۳ محمد رسول الله... و خانه‌ها که هنوز عرض نهادند، جددند!

مادر...» وقتی خبر شهادتش را آوردند.... و حالا ۲۳ سال از آن استند پرخاطره برای مادر من گذرد. ۲۳ سال که فقط برای عکس‌های ابراهیم، مادری کرد و خرم به اینروز نیابودا ۲۳ سالی که تنها یک سنگ قبر و یک قاب، سنگ صبور و پناه حسکتگی هایش بود! اینجا ۷۰ کلومتری جنوب غربی اصفهان، برای پیدا کردن بعضی خانه‌ها نیازی نیست که آدرس و گویی داشته باش... همچنین که نام شان را بدانم و بگیرم. که مثلا خانه اسقفت بود و معلم هزاران زن دیگر که در تپ و ناب خانه تکانی‌اند، او هم داشت دستی بر سر و روی خانه و زندگی اش من گشید. دلش خوش بود که چند روز دیگر شهر پیش از آید و شاید دلیل اصلی آن همه تکابو، آمدن «محمد ابراهیم» امشب بود. خانه حقیر و ساده و صميمه شان نسبت شد! اما نه ابراهیم آمد و نه عذری داد،

کارت قمزساواک به حاج همت
چی، از همان ابتدا سعی می‌کند داشت آموزان را باه و
ن افکار امام خمینی (ره) آشنا کند و همین می‌شود
زمزاواک کارت قمزی گیرد، حضور سیاسی و اقلایی
هم روز بر پرنگ ترمی شود تا جایی که برای اولین
در ایران، مجسمه شاه توسط او در شهرضا باین کشیده
شود و همین جسارت ها ورشادت ها، حکم اعدامش
نمودی می‌سزاواک می‌گذارد. مادر از فعالیت های

حتی سرانگشتی حساب کند؛ وقتی نفس کشیدن مان هم
صدقه سراین شهداست...!

ابراهیم به کردستان می‌رود

بعد از پیروزی انقلاب درست او اخیر سال ۱۳۵۸ که
می‌شود حاجی ابتدا به خرمشه و سپس به بندر چابهار
و کارک در استان سیستان و بلوچستان عزیمت کرده و
نقش وزیری داشت.

■ با دستور امام خمینی (ره): راهی مکه شد

از مادر درخصوص حاجی شدن محمد را به امام خمینی می پرسیم و او در پاسخ می گوید: در همان سال‌ها، امام (ره) با دستور می دهد که برای تبلیغ به عربستان برود. این طور که بادم هست یک دستگاه چاپ را جنگل قسمت کرده و با خودشان به مکه می بردند تا به راهی عکس‌های امام را چاپ و پخش کنند. البته ناگفته نماند که حاجی زمان بنج هم چند روز قبلی موافق این کارهایش نبود و می گفت اگر او را اینها را بپیدا کند، بیچاره است که کند! ابراهیم

■ وقتی حاج احمد متولسلیان، رفیق شفیق حاج ابراهیم، پای او را به لشگر ۲۷ محمد رسول الله باز کشید!

به غایبیت‌های غمیدی می پردازد و در مرداد سال ۱۳۵۷ وقتی رهبری و نهانی هادر کردستان بالا می گیرد، دلیلی برای تعلل ندیده و با چند نفر از دوستاش برای مزاره و انجام فعالیت‌های فرهنگی راهی باوه می شود.

■ وقتی اقلیاب محمد ابراهیم و جسارت و نترس بودند

لاب که شد، درس و مدرسه را گذاشت کارا گفت فقط امام جانش بود و حضرت امام...! ای رفت بیز زمین، ای بیک ها ابراهیم داشت و اعلامیه های امام را انجا بدهان کرد. رویش هم خاک می ریخت که پیدا نشد. البته روش خوبی موافق این کارهایش نبود و می گفت اگر او را اینها را بپیدا کند، بیچاره است که کند! ابراهیم هم

سده بود. همسری به من می‌خواست اباجی، اینی دارم بخواهیم را گفت و خدا حافظی کرد. ولی چند باری رفت و برگشت و نگاهم کرد و توی چشم‌ها بیم زل. انگار دلش نمی‌آمد بود.

وقتی خبر شهادتش را آوردند!

مادر از سخت ترین لحظه زندگی اش می‌گوید: «داشتم شیشه‌های خانه را برای عید پاک می‌گردیم که داماد وارد خانه شد و گفت حال ابراهیم خوب نیست و در بیکی از بیمارستان‌های اهواز بستری شده است. خیلی نگران شدم و بی تاب این بودم که یک نفر مرا برداشت اپرسوم را ملاقات کنم. بی قراری امان را بریده بود. تا اینکه که پسر بزرگ‌ترم امدو و بدون هیچ مقدمه‌ای و قفسی این حالات مرا دید گفت منتظر کی هستی مادر! ابراهیم شهید شده است. با شنبیدن این خبری هوش شدم. پدر ابراهیم هم از حال رفت و روی زمین افکاد. چند ساعتی اصلاتوی این دنیا نبودیم...» ازاوی پرسم با این همه فعالیت ابراهیم، باری فاجعی و بچهراهی بوسیله به طوری نه سنتاپی نشود؛ به کربلا و زیارت امام حسین(ع) می‌رود!»

همسری می‌خواهم همه جاذب‌الالم باشد حتی تالبان!

ابراهیم با همه دغدغه‌ای که در جنگ داشت، اما موضوع ازدواجش را به طور حجدی پیگیری کرد و در کردستان و شهر باوه؛ همراه زندگی اش را که دختری اصفهانی ولی اصالان نجف‌آبادی بوده و مظلل خود او برای تبلیغ عازم کردستان شده، و انتخاب می‌کند البته ناگفته نماند که ابراهیم چندین مرتبه از او خواستگاری می‌کند و مدت زیادی هم منتظریله می‌ماند... اخواهر می‌گوید: «ازدواجش بر می‌گردد به سال ۶۶. یک روز زنگ زده به مادر و تلفنی ماجراجای خواستگاری اش از یک دختر اصفهانی را در بیان گفت. مادر او اول اعلام ناراضیتی کرد و خواست همین جا شهرضا برایش یک دختر پیدا کند. اما حاجی قبول نکرد و گفت من همسری را می‌خواهم که همه جاذب‌الالم باشد. رادرشکستن محاصره جاده شلمجه - خرم‌شهر انجام داد. او و بیگان تحت امرش سهیم سراسری در فتح خرم‌شهر می‌شده بود. در خانه رازدند. دیدم داداش بست در

صورت عجیب و غیرطبیعی امام را دوست داشت. همه گئی اش را با امام تنظیم کرده بود. یک پایش اصفهان و پایی دیگر تهران پیش امام: برای هر موضوعی منوسلیان، دوست صمیمی اش، اول وارد تیپ و سپس به فرماندهی لشگر ۲۷ محمد رسول الله منصوب شود.» وابن گونه می‌شود که حاج محمد ابراهیم همت اصفهانی ماسراز فرماندهی یک لشگر تهرانی در جنگ ایران و عراق در می‌آورد. حاجی در عملیات سراسری فتح المیمن، مسروق مساقیمی گرفت. «خواهر ابراهیم هم که شش از او بزرگ و خودش حالا یک مادر شهید است از طرای برادر می‌گوید: از شجاعت و نترس بودن حاجی، از موقوفیت عملیات در مطلعه گوهستانی «شاوره» نقش مهمی داشت. اور عملیات بیت المقدس در سمت معاونت نیپ محمد رسول الله فعالیت و تلاش قابل توجهی را در شهروض و ازره بیری نظاهات ها، انقدر که سوا اک را کلافه بود و هیچ طوری هم دستش به اونی رسید. «خیلی که با هوش و نترس بود. یادم می‌اید شهرضا حکومت می‌شده بود. در خانه رازدند. دیدم داداش بست در

ط در جواب شان می‌گفت: شما نگران من نباشید.»

مستقیم از امام(ره) دستور می‌گرفت!

هیچ گاه خودتان را برای شنیدن خبر فرزندتان اماده نکرده بودید؟ سری نکان می دهد و می گوید: «جزا منظر شهادتش که بودم، ولی خوب هرچه که باشد مادرم، دلم نمی آمد خارمه باز یه چهام فروزد. می گفتن ان شاء الله ابراهیم می ماند و به اسلام خدمت می کند.»

صدام برای سر حاجی، جایزه گذاشته بود!

رویش رانقدر کیپ گرفته که به سختی قرس
صورت شدیده می شود، ولی با این اوصاف، انگار
یک سبب آند که از وسط نصف شان گرده اند!
چشم هایش هم مثل ابراهیم گیرا و پرایهت است!
فضای گفت و گو گرم می شود و حاججه خانم «نصرت
همت» با همان لهجه شیرین شهرسایی اش از
سفر کربلا عجیب و غریب شروع می کند؛ زمانی
که راهی زیارت امام حسین(ع) می شود؛ وقتی
محمد ابراهیم را برادر بوده است! سر ابراهیم
حامله بودم؛ سه ماهه! عموی مان تازه از دنیارفته
بود. ۴۰- نفری شدید بالا قوام، اتوپوسی کرايه کردیم و
راهی کربلا شدیم. مادر بزرگم یک خانه در کربلا داشت
خیلی بزرگ بود... قرار بود برویم آنجا که همه کنار هم
باشیم...! قبل از رفتن، خیلی هزار جمله بدر و مادر
وشهرم من را از این سفر منع کردند. ولی من گوشم
بده کار نبود...! حتی یک قطعه طلا داشتم رفتم
پیش آقای سید طلارفوشی سر خیابان فروختم ۲۰۱۰م
هزار تومان و آدمد به شهورم گفتمن اگر برای بولش
می گویی خودم آن را رجور کردم... من باید بود کربلا
و عاقبت بخوبی، خودم و بعدهم، ای احباب، ای احباب...»

● عاقیت بخیری حاج همت در کربلا امضا
می شود!

وقتی سوادای زیارت ارباب به سرشن افتاد، دل به دریا
رد و عزم سفری را کرد که در آن نگاه و پیازهای به ابراهیم
هنوز متولد نشده، شد! این طور بگوییم؛ اصلاً
محمد ابراهیم «هرچه دارد از این سفر کریلا دراد.

سفری که بیشتر به کام او تمام شد! و مطمئناً مادر
عاقبت بخیری خود و فرزندش را همان موقع گرفت.
ارسیدیم کربلا حالم بد شد. تسمیم گرفتند من را به
دکتر ببرند. گفتم من دکتر نمی خواهم؛ من می روم
از امام حسین (ع) شفایم را بگیرم. فقط من را بسیردات
راهی حرث بشومن. وقتی به حرم رسیدم دو رکعت نماز
زیر قبه امام حسین (ع) خواندم و آقا را زیارت کردم.
اما، شوچم که... عمدهای هم بود، هم اهدی، حمد

بود. او از من جدا شد و من دوباره در حرم حالم بد شد... برگشتم خانه! شب خواب برد، درخواب یک خانم قد بلند و برازنه و پاکیره‌ای با چادر مشکی و دستکش و عنکبوتی را دیدم. کارام آمدند و گفتند در حال زیارتی؟ گفتم بله. آن خانم دستش را زیر چادرش کرد و یک قنادقه بهم در بغل من گذاشتند و گفتند این بجه مال شمامست، اسمش «محمد ابراهیم» است، موظی بش باش. چند بار این حمله «مواظی بش باش» را تکرار کردند. بجه را بغل کردند و از خواب بریدم. چادر را که زدم کنار، دیدم بجه‌ای نیست. ولی حالم بهتر شده بود.

نهایا تصویر ذهنی مادر از ابراهیم، مظلومیت او است
و این روزها می‌گذرد تا محمد ابراهیم به دنیا می‌آید.
مادر تنها چیزی که از دروان کودکی پسرش به باد دارد؛ مظلومیت اش است. می‌گوید: «خیلی مظلوم بود... بی حساب! از مظلومیتش هر چه بگوییم، کم گفته‌ام، مظلومیت پسرم گفتن ندارد».
ابنطور که مادر عنوان می‌کند در درس و مدرسه هم خیلی موفق بوده و به نوعی طرفداری زیادی داشته است. این راز آن قسمت صحبت هایش به خوبی می‌توان فهمید، وقتی می‌گوید: «دیگر و معلمانتش برایش مردند از ایس که هم درستش خوب بود و هم اشتباه کرد».

نمایم اندی و زرد رنگ... می تواند باعروس و آینه
خیلی هم خوش اخلاق و مهربان بود.»

نژدیک انقلاب که شد، درس و مدرسه را
گذاشت کنار گفت فقط امام!

ابراهیم بزرگ و بزرگترین شود، دبیلم می گیرد و سال
۵۲ هم وارد دانشسرای تربیت معلم اصفهان، بعد از
گرفتن فوق دبیلم، برای خدمت سربازی به ارتش
می رود. همان روزهای بعد از انتقام سربازی هم وارد
سنگر مدرسه شده و معلمی را به عنوان شغل خود
در مدارس شهرضا انتخاب می کند. مادر می گوید:
«ابراهیم بیشتر فعالیتش اعم از تدریس و غیره در
روستای اسفرجان احوالات شهرضا بود. دلیلش هم
این بود که آنچه در از شهر و دسترس سواواک بود و
راحت تر می توانست نقشه هایش را عملیاتی کند...
خلاصه بیشتر آموزش و پرورش او را به عنوان چهره ای

